

سال دوم

جلسه ۷۵

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

۱۶ / ۱۲ / ۹۰ سه شنبه

۱. اینکه ایشان می فرمایند:

«معنا در دو مورد، وجود بالذات متعلق به معنی است (عینی و ذهنی)»

سخن کاملی نیست

چراکه : در وجود ذهنی هم وجود به صورت بالذات، «کیف نفسانی» است و به صورت بالعرض به «معنی» تعلق می گیرد

۲. مرحوم اصفهانی :

خبر = مضمون خود را به ذهن سامع می آورد (سامع از شنیدن خبر به مضمون آن منتقل می شود)

انشاء = نیز مضمون خود را به ذهن سامع [یا جامعه عقلاء] می آورد.

در حالیکه : از نگاه مرحوم آخوند انشاء، «اعتبار عقلایی انشایی» است

یعنی : انشاء آورده می شود که در ذهن گوینده، اعتبار حاصل شود و نه در ذهن سامع

اشکال مرحوم اصفهانی بر نظریه آخوند ، صحیح است  
چراکه : «لفظ» نمی تواند علت «اعتبارات انشایی» باشد

اما اصل کلام ایشان، با مشکل مواجه است  
چراکه : اگر گفتیم انشاء عبارت است از «ایجاد معنی در وعاء اعتبار حقیقی»  
در این صورت : می توان لفظ را به نوعی دارای «سببیت» دانست  
به این بیان که: عقلاء تنها در صورتی این اعتبار انشایی را به اعتبار حقیقی، تبدیل می کنند که آن  
اعتبار انشایی به وسیله «لفظ مخصوص» القاء شود

پس می توان گفت :

علت تکوینی اعتبار انشایی = نفس «اعتبار کننده»

علت تکوینی «اعتبار حقیقی» = نفس عقلا

لفظ : سبب اعتباری و قراردادی است برای آنکه عقلاء اعتبار انشایی را به اعتبار حقیقی، تبدیل کنند

سبب های تملیک (انشائات)، علل تکوینی نیستند.

بلکه : انشاءات، سبب هستند که عقلاء (مثلا ملکیت را) اعتبار کنند.

مثلا : حیازت که حاصل شد، این کار [که فعل تکوینی است] سبب می شود که عقلا پس از اطلاع از آن، ملکیت را اعتبار کنند.

پس : فعل خارجی، علت برای اعتبار نیست و امور اعتباری قوامشان به آن فعل خارجی نیست

الفاظ عقود، همین طور است

وقتی الفاظ عقود در معانی خاص خودشان همراه با اراده جدی، استعمال شدند

موضوع می شوند که عقلاء آن معانی را اعتبار کنند

پس :

الفاظ عقود خبر می دهند از اعتبار انشایی

و در عین حال سبب می شوند برای اعتبار حقیقی و این سببیت، سببیت «اعتباری» است

اشکال مرحوم اصفهانی مبنی بر آن است که پنداشته اند:

«ایجاب و قبول» قرار است ایجاد کننده تکوینی «ملکیت و تملیک» (به عنوان اعتبار عقلایی حقیقی) باشند.

در حالیکه :

- علت تکوینی «اعتبارات انشایی»، نفس اعتبار کننده است

- و علت تکوینی اعتبارات حقیقی، نفس عقلاست

و الفاظ [ایجاب و قبول] تنها سبب و علت است :

برای آنکه عقلاء پس از حصول آن در نفس خویش، ملکیت را اعتبار کنند

اینکه در انشاء ها، «الفاظ» علت تحقق معانی باشند، معنای محصلی ندارد.

چراکه : علیت از ذاتیات لفظ نیست. و آنچه ذاتاً علت نیست نمی تواند به عنوان «علت»، جعل شود

چراکه : علیت و امثال ان [ظاهراً: شرطیت، مانعیت و ..] قابلیت جعل شدن ندارند

- اگر مراد آن باشد که لفظ، اعتباری را که در نفس گوینده است، پدید می آورد :

حرف مرحوم حائری درست است

یعنی : علت پیدایش اعتبار، «نفس گوینده» است

- اگر مراد آن است که :

«وقتی اعتبار کننده چیزی را در نفس خویش اعتبار کرد، عقلاء تنها در صورتی آن اعتبار انشایی را به

اعتبار حقیقی تبدیل می کنند که آن اعتبار انشایی به وسیله لفظ مخصوص القاء شود»

در این صورت می توان گفت :

علت لفظ برای اعتبار حقیقی، علیت «جعلی» است

پس : برای چیزی که «علیت تکوینی» ندارد، نمی توان علیت تکوینی جعل کرد.

ولی : می توان یک شیء را «علت اعتباری» قرار داد.

اینکه مرحوم آخوند می فرماید: «لفظ موجد اعتبار عقلایی انشایی است» حرف صحیحی نیست  
چراکه : اعتبارات عقلایی انشایی، محتاج «علت ذهنی» است